

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: سیامک م.

۲۵ می ۲۰۱۹

سپاه پاسداران، تروریسم و امپریالیسم

در ماه های اخیر، بعد از قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست تروریست از طرف حکومت امریکا، بررسی ها و تحلیل های زیادی انجام گرفته اند. در خطوط زیر به این موضوع پرداخته می شود. مردم ایران، طی ۴۰ سال گذشته در زیر لوی اختناق سیاسی و سرکوبهای تروریستی از جانب جمهوری اسلامی و نهاد های ارتجاعی آن از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زندگی ناهنجاری داشته اند. سپاه پاسداران، از اوایل انقلاب، در جهت صدور ایده های "انقلاب اسلامی" در داخل و خارج از کشور مهمترین عامل برای پیشبرد سیاستهای تروریستی/امنیتی رژیم بوده و بخش اطلاعات آن در ترور و کشتار دگر اندیشان شرکت داشته است. از اوایل ۱۳۸۰، سپاه با دخالت در سیستم اقتصاد ایران و توانمند کردن خویش به لحاظ مالی، علاوه بر نقش قدرت سرکوبگر نظامی، با تمام قواء نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی را حفاظت کرده، بدان جهت کنشگران راه آزادی و عدالت را دستگیر، شکنجه، زندانی و اعدام نموده است.

سپاه در خارج از کشور، با کمک به تشکیل جریانات "شیعه" به گونه ای در راستای سیاستهای ماجراجویانه و مخرب نظام عمل نموده است و با قرار گرفتن آن در لیست تروریستی دولت امریکا باعث گردیده که بین ایران و امریکا امکان تصادم های نظامی و خطرات دیگر بروز کند. سیاستهای مخرب و ایدئولوژیک رژیم در سوریه، لبنان، کرانه غزه، مانند نظامی گریهای امریکا، اسرائیل و شیخ نشینهای ارتجاعی در منطقه موجب ترور، جنگ و ویرانی بیشتری شده است. همه این برنامه ها در شرایطی انجام می گیرند که جریانات راست و ارتجاعی در کشورهای امریکا، اسرائیل و عربستان با استفاده از ماجراجویی های افراطی از سوی جمهوری اسلامی، سیاستهای منفعت جویانه و ضد مردمی خود را به پیش می برند. وزیر امور خارجه امریکا، مایک پمپئو، از جمله در مرکز انجام این سیاستها قرار دارد. حرکتیهای توطئه گرانه مانند کمک به راه اندازی جریانات افراطی اسلامی و تداوم تشنج و نزاع های سیاسی و نظامی به نفع سرمایه های کلان مالی، نظامی و نفتی در کشورهای بزرگ امپریالیستی و همچنین حکومتگران ارتجاعی در منطقه تمام می شود. اقدامات جنگجویانه و تروریستی امریکا و متحدانش همچنین باعث روی آوردن بیشتری از جانب سپاه پاسداران به سرکوبهای امنیتی و ایجاد خفقان بیشتر سیاسی در داخل کشور شده و می شود.

جنبشهای مردمی در ایران، از اوایل قرن ۲۰ در راه آزادی و عدالت مبارزه نموده و بخشی با شرکت در تجمع ها و سازمانهای دموکرات و چپ، آگاه هستند که وجود استبداد سیاسی و دخالتهای امپریالیستی بزرگترین دلیل برای تداوم محرومیت و ناهنجاری های گسترده در جامعه می باشد. سرکوب های روزانه جمهوری اسلامی به طور روزانه از سوی مردم لمس می گردد و شاید در این مورد به توضیح نیاز فراوانی نباشد. اما وضعیت ویرانگرانه ناشی از ستراتیژی امپریالیستی از سوی انحصارات جهانی و دول محافظ آنها برای خلیهها روشن نیست. در جایی که بنا بر دلایل گوناگون (عمدتاً ناشی از وجود روند تاریخی امپریالیستی) ارزش نیروی کار واحد در جوامع توسعه یافته هنوز به مراتب از کشورهای پیشرفته کمتر است و در نتیجه در پروسه مبادله زنجیره نی کالا در سطح جهان، با پائین بودن متوسط ارزش نیروی کار در عوض به سهم سود بری و در واقع چپاول نیروی کار در این کشورها (اکثریت توده های زحمتکش)، به نفع صاحبان سرمایه در کشورهای متروپل تمام می شود، مهم است که تأثیر مخرب سیاستهای اقتصادی امپریالیستی، نیز بر ملا گردد. وجود فقر و محرومیت وسیع در سراسر جهان به ویژه در جوامع توسعه یافته که عمدتاً تحت نظامهای بسته و غیر دموکراتیک قرار دارند، یادآور نتایج مخرب و در واقع به نوعی وجود تروریسم اقتصادی امپریالیستی، نیز در زندگی توده های مردم است.

مطالعات اقتصادی نشان می دهند که در دوران کنونی وجود اختلاف فاحش بین سطح دستمزد بین کشورهای پیشرفته و توسعه یافته علت اصلی برای سودبری است. برای مثال در سال ۲۰۱۴، مخارج نیروی کار واحد (عمدتاً مخارج ناشی از دستمزد و مقدار تولید) در هندوستان، چین و مکزیکو در مقایسه با امریکا، ۳۷، ۴۵ و ۴۳ درصد بود (مانتلی ریویو: مارچ ۲۰۱۹ ص ۱۵). در واقع ارزش نیروی کار تولید شده در جهان توسعه یافته بروشنی استخراج و ثبت نمی گردد بلکه عمدتاً تصرف می گردد و دلیل عمده آن وجود مناسبات قدرت نابرابر بین جوامع پیش رفته و رشد یافته با راهبري شرکت‌های فراملیتی میباشد. در این شرایط جدید امپریالیستی و بر مبنای سیستم استثماری "زنجیره کالایی جهانی" که ناشی از نابرابری عمیق دستمزد، درجه متفاوت استثمار و هجوم به روش تصرف ارزش نیروی کار است که ۶ فرد ثروتمند که بیشتر آنها امریکائی هستند دارای ثروتی بیشتر از نصف مردم دنیا (۳.۸ بلیون) می باشند (همان: ۱۸). بر این اساس است که صاحبان اصلی سرمایه ها، شرکت‌های اقتصادی آنها و دول مدافع این مناسبات (به ویژه امریکا) ضرورت استفاده از تمامی موازین سیاسی، اقتصادی و نظامی را دیده و هم اکنون در خیلی از مناطق دنیا نزاع ها و جنگ‌های متنوع تروریستی ادامه دارد.

اقتصاد سرمایه داری، برای حیات خود به توسعه دائمی بازار و گسترش در مصرف نیازمند است که به نوعی در سیاست خارجی دول امپریالیستی، به ویژه امریکا تأثیر گذار است. عنوان "دفاع از دموکراسی" ظاهر قضیه جهت حمله و اشغال به افغانستان، عراق و سوریه بوده است. گرچه در سال ۲۰۱۱، رژیم ارتجاعی بشار اسد مبارزات آزادیخواهانه مردم سوریه را سرکوب نمود و به گزارش ملل متحد در آن مقطع ۵۰۰۰ نفر قتل عام گردیدند، اما تعرض از سوی قدرتهای خارجی و به ویژه امریکا، این کشور را به جولانگاه رقابت سیاسی-جغرافیائی و نابودی بیشتر زندگی مردم تبدیل نمود. در سال ۱۹۶۳ امریکا و انگلستان در کودتای ضد عبدل کریم قاسم رهبر مردمی عراق شرکت نموده، باعث بر روی کار آمدن حزب بحث و صدام حسین ارتجاعی شد. حمله امریکا به افغانستان و عراق دلیل اصلی برای شکل گیری داعش بود. بنا بر گزارش از سوی ایروایر کشتار غیر نظامیان ناشی از بمبارانهای امریکا و متحدانش بین ۶۵۰۰ و ۱۰۰۰۰ بوده، تعداد کشته شدگان در عراق بین ۲۶۸ تا ۲۹۵ هزار بوده و بالای ۳ میلیون متواری شده اند. عراق پایگاه جدیدی برای دخالت در منطقه و بقول داندل ترمپ "نظارت بر اعمال ایران" گردیده است. در افغانستان هم بالای ۱۵۰ هزار کشته شده اند. در واقع دولت امریکا هیچ گونه حقی

برای دخالت و تعرض در این کشورها، بنا بر بهانه های "مقابله با تروریسم"، "تشویق دموکراسی"، "سازندگی دولتی" ندارد و در واقع فعالیت و شرکت در جنبش ضد جنگ یک وظیفه اساسی برای جنبش مردمی می باشد.

در ایران، هم اکنون تقریباً ۶۰ درصد از مردم در زیر خط فقر مطلق (حدود ۵ میلیون تومان) بوده، حدود ۶ میلیون بیکار هستند و متأسفانه شدت گیری در تحریم های اقتصادی و جلوگیری از فروش نفت وضعیت برای جامعه ایران را بسیار وخیم نموده است. در جایی که یک حکومت دموکراتیک مردمی وجود ندارد و اقلیتی از حاکمان، سرمایه داران خودی و ارگان محافظ آنها سپاه پاسداران، به رغم ادعای آن (توسط حسین سلامی فرمانده جدید سپاه)، توان مقاومت در برابر یورشهای اقتصادی، سیاسی و احیاناً نظامی را ندارند، به غیر از طرح شعارهای توخالی که مثلاً "باید حاکمیت اسلام را به تمدن تبدیل کنیم و سپاه (جواد ظریف، وزیر امور خارجی) باید ظرفیت نقش آفرین" و مسؤولان امنیت "آبراه تنگه هرمز را داشته باشد. موضوع این است که مردم ایران با این وضعیت بسیار وخیم و خطرناک چه بکنند. البته، پاسخ بسیار ساده امید به قیام سراسری توده های مردم برای پیروزی انقلاب می باشد.

اما در شرایط کنونی چه باید نمود؟ مهم این است که باید سعی گردد در هر مقطع زمانی راهکارهای مشخص و مناسب با سیستم قدرت حاضر پیدا نماید. به نظر می رسد که مناسب است، جنبشهای مردم در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه و تروریسم جمهوری اسلامی از راهکارهای گوناگون سیاسی مدنی و همچنین انقلابی استفاده کنند. امروزه، کارگران، زنان، دانشجویان و فعالان محیط زیست و حقوق بشر با توسل به اعتصاب و اعتراض در مقابل رژیم مقاومت می کنند. اما این مبارزات هنوز پراکنده و سازمان نیافته هستند. بدیهی است که در صورت نضج حرکتی اعتراضی به گونه ای سراسری و در پیوند با یکدیگر، در پدید آمدن زمینه های اولیه برای قیام ملی جهت پیروزی انقلاب مردمی سرنوشت ساز می باشد.

فرامرز دادور

۱۵ می ۲۰۱۹